



سیاست فروپاشی ساختاری
ارزیابی **رضانصری** تحلیلگر مسائل بین الملل از رویکرد نل آویو درباره تهران



نا آرامی‌ها و کم‌کاری‌ها
گفت‌وگو با **خلیل کمربیگی** استاد جامعه‌شناسی درباره حوادث اخیر ایلام و عملکرد استانداری



غنائم سفر بن سلمان به واشنگتن
یادداشتی از **مایکل رتنی** سفیر سابق آمریکا در عربستان سعودی



وضعیت قفسه‌های کالاها اساسی
روایت هم‌میهن از وضعیت توزیع کالاها اساسی و روغن در پایتخت

هشدار علی لاریجانی درباره پیامد ادامه ناآرامی‌ها

خطر حنگ داخلی

گفتار
مقامات
۲

گزارش
میدانی
۲

تیراندازی در خیابان‌ها

روایتی از آنچه جمعه شب
در شهرهای مختلف
گذشت

سرمقاله

آیا راهی هست؟

قصه نقد گذشته را نداریم. این اعتراضات چه ناشی از دخالت‌های بیگانگان معرفی شود، چه تماماً درون‌زات تلقی گردد و چه ترکیبی از این دو شناخته شود، در یک چیز نباید تردید را داشت؛ اینکه سیاست‌های رسمی ما را به این نقطه رسانده است؛ به این نقطه که بیگانگان بتوانند در میدان سیاست، چشم طمع به آینده ایران بدوزند و یا در داخل، بخش مهمی از مردم، به‌ویژه جوانان را از دست بدهیم. از همه بدتر اینکه، هیچ ملجا و پناهی را در داخل باقی نگذاشته است که این مردم و جوانان معترض، به آنها پناه ببرند. در نتیجه نگاه همه را به خارج دوخته است. نتیجه این می‌شود که امروز یکی از بدترین جلوه‌های خشونت را می‌بینیم و مهم‌تر اینکه، آنچه که می‌بینیم همه ظرفیت خشونت موجود در جامعه ایران نیست و امیدواریم هیچگاه این ظرفیت، به فعلیت تبدیل نشود. ولی پرسش این است که فارغ از خطاهای گذشته که بارها و بارها تذکر داده شده است و فارغ از وضعیت کنونی، آیا راه‌حلی برای عبور از این وضعیت هست؟ به‌ویژه اینکه فرصت زیادی باقی نمانده است و بخش مهمی از افکار عمومی جهان علیه ایران بسیج شده است و احتمال مداخله محدود نیز وجود دارد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که:

در سیاست، به‌ویژه در شرایط بحرانی هیچ راه‌حل تضمین‌شده‌ای وجود ندارد، بنابراین نمی‌توان راه‌حلی را پیشنهاد کرد که پیشاپیش، نتیجه آن قطعی و روشن باشد. ولی یک امر مسلم است؛ ادامه راه‌های گذشته قطعاً با شکست مواجه است. مقابله و بازداشت و جدا کردن ذهنی صف معترضان مسالمت‌آمیز از افراد خشن آشوب‌گر به تنهایی شکست خورده است. اکتفا صرفاً به این مسیر، ائتلاف وقت و بی‌فایده است، بنابراین باید ابتکار عمل به خرج داد؛ ابتکار عمل نیز سیاسی است و باید از طریق گفت‌وگو با کسانی که بتوانند مردم را نمایندگی کنند، به نتیجه رسید. بعید است که راه‌های دیگر، شانس برای نتیجه‌بخشی کامل داشته باشند. فراموش نکنیم، در دفعات قبل هم، همواره وعده گفت‌وگو با معترضان و شنیدن صدای آنان داده می‌شد، ولی هنگامی که به هر دلیلی اعتراضات پایان می‌یافت، دوباره روز از نو، روزی از نو و همه آنان به تنظیمات کارخانه بازمی‌گشتند. در همین جنگ اخیر نیز، دوباره شاهد این فرآیند نادرست بودیم. بنابراین، بعید است که هیچ رفتار ضمنی و وعده‌هایی که به آینده احاله می‌شود، بتواند تاثیر مثبتی در فضای سیاسی کنونی بگذارد. پرسش دیگر این است که مبنای هر تصمیم سیاسی، در شرایط بحرانی چه باید باشد؟ در چه اول باید حفظ منافع ایران و بقای آن هدف اصلی باشد. دیگر زمان ارجاع دادن به منافع فردی و غیر مرتبط با مردم و ایران گذشته است. نکته دیگر این است که در حوزه سیاست، تصمیم‌گیری مبتنی بر ریسک منافع شخصی وجود ندارد. رعایت این ویژگی در شرایط بحرانی ضروری است و بالاخره پذیرش مردم و همراهی آنها و جلب اعتماد عمومی، شرط لازم هر نوع ابتکار عمل است. هنگامی هم که می‌گوییم مردم، یعنی ۸۸ میلیون ایرانی؛ فارغ از هر تمایزی. هر راهی جز این، ائتلاف وقت و از دست دادن فرصت است.



پیگیری خبرنگاران هم‌میهن
از آسیب دیدگان درگیری‌های شب‌های اخیر
در بیمارستان‌ها چه خبر است؟

گزارش
جامعه
۷